

آرِسِن وِنِگِر

زندگی قرمز و سفید من

ترجمه‌ی ماشاله صفری و بردیا حسین بیک



سرشناسه: ونگر، آرسن، ۱۹۴۹-م. Wenger, Arsene, ۱۹۴۹
عنوان و نام پدیدآور: زندگی فرمز و سفید من: آرسن ونگر / آرسن ونگر: ترجمه بردیا حسین بیک،
ماشاله صفری.

مشخصات ظاهری: ۱۷۱ ص: ۵/۱۴ ط ۵/۲۱
موضوع: باشگاه فوتبال - آرسنال - مربیان فوتبال - انگلستان - لندن - سرگذشتنامه
موضوع: Soccer Coaches - Biography - London - Great Britain

شناسه افزوده: حسین بیک، بردیا، ۱۳۶۲ - مترجم

شناسه افزوده: صفری، ماشاله، ۱۳۶۲ - مترجم

رده بندی کنگره: GV۹۴۲/۷

رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۷۹۷۹۶

ونگر WENGER



نشر گلگشت

آرسن ونگر | بردیا حسن بیک
ماشاله صفری

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی از ناشر است.

/قیمت/ با عرض شرمندگی قیمت‌ها را در سایت گلگشت بیابید.
/این کتاب با کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است/

صفحه‌آرایی/گرافیک گلگشت/

/طرح جلد/گرافیک گلگشت/

/نوبت چاپ/اول/۱۴۰۱/

/تیراژ/۱۰۰۰ جلد/

/شابک/۹۷۸-۶۲۲-۶۴۸۹-۴۶-۱/

تلفن: ۳۳۹۸۲۸۸۸ {+۹۸۲۱}

۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰ {+۹۸}

فکس: ۴۳۸۵۲۹۳۳ {+۹۸۲۱}

goalgasht

goalgasht

goalgasht

خرید اینترنتی:

goalgasht.ir

/مقدمه/

www.ketab.ir

آرسنال را در ۱۳ می ۲۰۱۸ ترک کردم.

باشگاه برای ۲۲ سال تمام زندگی‌ام بود. شور و اشتیاقم، مشغله‌ی دائمی‌ام. به لطف آرسنال، توانستم دقیقاً همان راهی را که می‌خواستم در دوران حرفه‌ی مربی‌گری‌ام طی کنم: توانستم بر زندگی بازیکنان تأثیر بگذارم، سبک بازی خاصی را در باشگاه القا کنم، و پیروزی‌های واقعاً شگفت‌انگیزی را تجربه. من آزادی و قدرتی داشتم که مربی‌های امروز دیگر آن را ندارند.

ترک باشگاه بعد از آن سال‌های باورنکردنی، پرتنش، فراموش‌نشدنی و از دست دادن آن قدرت دشوار بود. آرسنال هنوز بخشی از وجود من است: هنوز هم وقتی درباره‌اش حرف می‌زنم می‌گویم «باشگاه من»، و حتی اگر امروز در دستان دیگری باشد، هنوز هم مانند همیشه عاشق باشگاه، هواداران و بازیکنان هستم. آنچه برایم مهم است، بازی و مردان آن

است، آن لحظات باوقار که فوتبال آنها را به کسانی که عاشقش هستند می دهد، کسانی که همه چیزشان را برایش می دهند.

مسابقاتی که در آن برنده شده اید خاطرات گران بهایی هستند و مسابقات شکست خورده، آنهایی که جرئت دوباره دیدن آنها را ندارم، حتی سال ها بعد هم من را آزار می دهند: چه کاری باید انجام می دادیم؟ چه اتفاقی افتاد؟ تمام زندگی ام بین پیروزی های دوست داشتنی و شکست های تحقیرآمیز چرخیده است. عاشق فوتبالم و این اشتیاق هرگز کمرنگ نشده است.

زمانی که به آرسنال پیوستم، انگلیسی ها من را نمی شناختند. سؤال آرسن چی؟ دائماً تکرار می شد. درک می کردم. من چهارمین مربی خارجی در تیم های سطح بالا در تاریخ لیگ برتر بودم. سه تای اول عاقبت های مختلفی داشتند. انگلیسی ها قوانین فوتبال را مانند شراب فرانسوی بدون نقص مدون می کردند. معمولاً از یک انگلیسی نمی خواهیم تا به فرانسه بیاید و مورد درست کند. برای ۲۲ سال تلاش کردم بر حقیقت بازی و زمین فوتبال غالب شوم. من شکست ناامیدی، خشم زیاد، جدایی و بازیکنان خارق العاده را می شناختم، اما هیچ تیمی مانند آرسنال بخشی از وجودم نشده است.

باشگاه بسیار تغییر کرد، و من هم با آن تغییر کردم و فوتبال با ما تغییر کرد. فوتبال من، شرایطی که اشتیاقم بود، آزادی که داشتم، طول عمرم به عنوان مربی یک باشگاه، تمام این ها ناپدید شده است. مطمئن نیستم که امروز بازیکنی که هنوز در چهارده سالگی باشگاه یا تا نوزده سالگی مربی نداشته است می تواند از مسابقات دسته ی دو فرانسه به لیگ یک برود و بازی ها و ماجراجویی های زیادی داشته باشد. همچنین مطمئن نیستم که یک مربی امروز می تواند مسئولیت کلی تیمی مانند آرسنال را داشته باشد و بازیکنانش را به روشی که من داشتم انتخاب کند، با آزادی و درگیری کامل. من خوش شانس بودم، اما می دانم چه فداکاری هایی هم کرده ام.

در سال های اخیر فوتبال تحولات عمیق بسیاری را تجربه کرده است. به نظرم برخی از تغییرات چشمگیرتر از سایر آنهاست: افزایش تعداد مالکان خارجی، ظهور شبکه های اجتماعی با خواسته ها و افراط های آن، فشارهای بی وقفه در انزوای آنها در دورانی که انتظارات هرگز بیشتر از این نبوده است. فوتبال هم قبل و هم بعد از مسابقه تغییرات زیادی

کرده است، به ویژه با وجود تجزیه و تحلیل های بیشتر از بازی ها. اما یک چیز تغییر نکرده است: ۹۰ دقیقه هنوز به بازیکن تعلق دارد، ۹۰ دقیقه ای که در طول آن پادشاه است. فوتبال اروپا دیگر مانند گذشته تحت سلطه ی سه باشگاه نیست. تیم های دیگر هم خود را به سطح آنها رسانده اند.

تحلیلگران نقش بسیار برجسته ای را بر عهده گرفته اند و بلافاصله بعد از پایان نیمه ی اول کارشان را شروع می کنند و درگیر بازی می شوند، این امکان را برای درک بهتر بازی و داشتن معیارهای عینی برای تجزیه و تحلیل مسابقه فراهم می کند، درحالی که قبلاً همه چیز بر عهده ی شخص مربی بود. با این وجود مربی هنوز هم تنها تصمیم گیرنده است. آمار و علم باید بخشی از تجزیه و تحلیل عملکرد باشد، اما باید در ترکیب با دانش عمیقی از فوتبال استفاده شوند. آخرین بررسی ها نشان می دهد که بازیکنان با استفاده بیش از حد از آمارها، بی روح می شوند، بدون شک دلیلش این است که احساس می کنند فردیت آنها در این روند از بین رفته است.

بیش از هر زمان دیگری، مربی مسئول نتایج تیم است، حتی اگر همیشه توانایی تأثیرگذاری بر هر تصمیمی را نداشته باشد. نظرات درباره ی او همیشه به طریقی اغراق آمیز است: «او فوق العاده است!» یا «او آشغال است».

ما اغلب بدون اینکه از وقوع آنها آگاهی داشته باشیم درگیر این تحولات هستیم و بر آنچه باور داریم تمرکز می کنیم. اما امروز من از حباب خود بیرون آمده ام و همه چیز برایم واضح تر به نظر می رسد: حملات بی دلیل، اغراق ها، تنهایی مربی. هر روز روزنامه ی اکیپ می خوانم، روزی دو یا سه مسابقه تماشا می کنم، گوش می دهم و تعجب می کنم که چگونه چیزی که گفته می شود می تواند منصفانه باشد، چرا اتفاقات خاصی رخ می دهند، جایی که حقیقت بازی نهفته است، و من همین کار را با زندگی، تعهدات و اشتیاقم انجام می دهم.

به تمام این تغییرات نگاه و به آنها فکر می کنم، و با این وجود همیشه فوتبال را برای آنچه که هست و آنچه که باید باشد می بینم: مسابقه ای که در آن هر اتفاقی می تواند بیفتد، بازیکنان، ۹۰ دقیقه، حرکات فوق العاده، عنصر شانس، استعداد، شجاعت، لمس جادو، و برای کسانی که بازی این مردان را تماشا می کنند، جستجوی هیجان، یک خاطره، یک درس زندگی است.